

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۱۳

جمعه ۵ خرداد ۱۳۹۶، ۲۶ مای ۲۰۱۷

پیام به کارگران و خانواده های جانباختگان معدن یورت

صفحه ۴

نمایشگاه سانسور در جمهوری اسلامی

آرش دشتی

صفحه ۷

رقص شمشیر حاجی ترامپ در عربستان!

محسن ابراهیمی

صفحه ۷

جمهوری اسلامی حکم اعدام یک زندانی سیاسی در ارومیه را صادر کرد!

صفحه ۱۰

یک موفقیت در کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات

حکم ۱۱ سال زندان برای جعفر عظیم زاده و شاپور
احسانی راد لغو شد

صفحه ۸

معصومه جاهدی همسر یکی از معدنچیان جانباخته زمستان یورت از وضع تکانه‌دهنده زندگی کارگران معدن میگوید

صفحه ۸

انتخابات حکومتی و سرنگونی طلبی توده مردم

مصاحبه با حمید تقوائی

صفحه ۲

ترور در منچستر

بار دیگر تروریسم اسلامی جنایتی هولناک آفرید

تبهکاری است.

برای نابودی این جریان باید به میلیتاریسم و قلدرمنشی و سرکوبگری پایان داد. دول غربی و در رأس آنها دولت آمریکا و همچنین دولت روسیه با سیاست های ارتجاعی شان در منطقه سهم بزرگی در شکل دادن به دولت ها و دار و دسته های اسلامی دارند. بشریت آزادیخواه باید در سطح جهان در مقابل این دولت ها و سیاست های جنایتکارانه آنها و همینطور جریانات راسیستی که به جنبش اسلامی زمینه رشد میدهند قاطعانه بایستد. برای نابودی توحش اسلامی، برای خلاصی بشریت از چنگال این تبهکاران باید دولتهای اسلامی را با یک خیزش و انقلاب توده ای بزیر کشید و ریشه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این جریانات را خشکاند.

باید بشریت را از شر تروریسم اسلامی خلاص کرد. و این یکی از اهداف سیاسی کمونیسم کارگری است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ خرداد ۱۳۹۶، ۲۳ مه ۲۰۱۷

جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود رژیمی که کارگران را بخاطر مبارزاتشان زندانی میکند، جایی در سازمان جهانی کار ندارد

ژوئن که از سوی جریانات سیاسی مختلف بنا بر سنت هر ساله در محلی در میدان ملل شهر ژنو برگزار میشود، شرکت کنیم و همچنان صدای اعتراض کارگران در ایران باشیم. اما اجلاس های سالانه سازمان جهانی کار چگونه صورت میگیرد و پیام اعتراضی ما به این اجلاسها چیست، موضوعی است که مختصرا اشاره میکنم.

طبق اساسنامه سازمان جهانی کار، هر سال هیاتی ۴ نفره تحت عنوان سه جانبه گری (دولت، کارفرما،

صفحه ۴

توانسته اند، در همان لحظه گشایش کنفرانس به داخل سالن بروند و با بدست گرفتن عکس کارگران زندانی و پخش بیانیه های حزب در میان شرکت کنندگان در اجلاس صدای اعتراض کارگران و مردم ایران را به حضور رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به گوش سازمانهای مختلف کارگری در سطح جهان برسانند. اجلاس امسال سازمان جهانی کار چهارم ژوئن شروع و تا هفدهم ماه ادامه خواهد داشت. برنامه ما امسال اینست که در اجتماعی که قرار است در نهم ماه

شهلا دانشفر

اجلاس جهانی سازمان جهانی کار نزدیک است و یک موضوع اعتراض هر ساله کارگران در ایران، اعتراض علیه حضور هیات جمهوری اسلامی در این اجلاسهاست. حزب کمونیست کارگری ایران هرساله تلاش کرده است که در روز بازگشایی کنفرانس سالانه آی ال او خود را به محل برساند و اعتراض خود را به حضور هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس ها اعلام دارد. در سالهای متعددی فعالین حزب

مروری کوتاه بر تلاش های بی وقفه

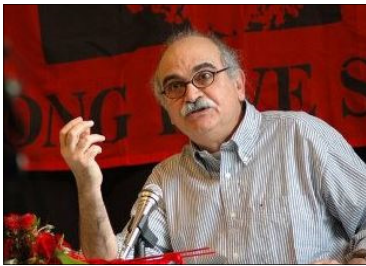
مصاحبه با مینا احدی

صفحه ۵

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶



انتخابات حکومتی و سرنگونی طلبی توده مردم

مصاحبه با حمید تقوایی

انترناسیونال: حزب همیشه از انتخابات در جمهوری اسلامی با صفاتی مثل مضحکه یاد میکند و از مردم دعوت میکند نه تنها شرکت نکنند بلکه تلاش کنند انتخابات را به ضد خود تبدیل کنند، اعتراضاتشان را گسترش دهند و غیره. حتما بخش مهمی از آن ۱۵ میلیون نفری که شرکت نکردند به کل انتخابات و نظام اعتراض داشتند. اما آنهایی که شرکت کردند چه؟ معنای سیاسی آن چیست؟ آیا آنها بازپچه یک معرکه حکومتی شدند؟

حمید تقوایی: به نظر من شرکت مردم در انتخابات به معنی تأیید و حتی تمکین جامعه به حکومت نیست. توده مردم در هر فرصتی که شرایط و توازن قوا به آنان اجازه داده است با تظاهرات و اعتراضات خود رای به سرنگونی حکومت داده اند. از اعتراضات وسیع کارگران و دانشجویان و مردم کردستان در سالهای اول بقرت رسیدن حکومت تا ۱۸ تیر ۷۸ و قیامهای شهری و تظاهراتهای ضد رژیم متعدد در تهران و سایر شهرها و بالاخره خیزش میلیونی سال ۸۸، همه نشاندهنده گرایش و خواست قوی سرنگونی طلبانه در میان توده مردم است. حتی مبارزات عرصه ای با مطالبات معینی نظیر رفع تبعیض و آپارتاید جنسیتی، آزادی زندانی سیاسی، لغو مجازات اعدام، دفاع از سکولاریسم و حقوق و قوانین مدنی و غیره نفس موجودیت جمهوری اسلامی را بچالش میکشد و همه، هم فعالین این عرصه ها و کل جامعه و هم حکومتی ها، بخوبی میدانند که این اعتراضات در کنه خود سیاسی و ضد رژیمی است. "انتخابات" در چنین جامعه ای صورت میگیرد و دقیقاً به همین دلیل این باصلاح انتخاباتها به همه چیز شبیه است بجز انتخابات. دقیقاً بخاطر این گرایش وسیع جامعه به خلاصی از شر جمهوری اسلامی

است که آزادیهای سیاسی و مدنی پایمال میشود، کاندید شدن زنان رسماً و قانوناً ممنوع است، چهره ها و احزاب و نیروهای سیاسی چپ و آزادیخواه نه تنها حق شرکت در انتخابات بلکه حق حیات ندارند، و حتی خودی ترین کاندیداهای حکومت باید از غربال ولی فقیه و شورای نگهبان و غیره بگذرند تا بتوانند در این بازی شرکت کنند. آنچه در جمهوری اسلامی انتخابات نامیده میشود صرفاً هراس رژیم از دخالتگری واقعی یک جامعه معترض و ضد وضع موجود و کل نظام اسلامی را نشان میدهد. اما مردم بازپچه این معرکه نشده اند. نه تنها عدم شرکت بخشی وسیعی از جامعه - بنا به آمار دستکاری شده و غیر قابل اتکای حکومت بالغ بر ۱۵ میلیون - بلکه حتی بخش اعظم مردمی که در انتخاباتها شرکت میکنند میخواهند از انتخابات نیز برای تضعیف بیشتر حکومت و به عقب راندن آن استفاده کنند. به همین دلیل است که هرگاه حکومت قادر به تقلب نبوده است - مانند انتخابات دوره خاتمی، انتخابات مجلس در سال ۹۴ و ریاست جمهوری در دو دوره اخیر- کاندیداهای مورد حمایت خامنه ای رای نمی آورند. برای نشان دادن مشارکت وسیع مردم آمار را بالا میبرند ولی نمیتوانند نسبت آرا و نتیجه را تغییر بدهند چون انسجام و یکپارچگی لازم برای این بند و بست و توافق را ندارند. آخرین تلاششان در این جهت در سال ۸۸ از صندوق بیرون آوردن احمدی نژاد بود که پیامدهایش به یک کابوس همیشگی حکومتی ها تبدیل شده است. بعبارت دیگر ناتوانی حکومت در تقلب نیز خود نتیجه مستقیم نارضایتی وسیع مردم و شرایط قابل انفجار در جامعه است. همانطور که در اطلاعاتیه حزب گفته شده است پیشرو ترین بخش جامعه در

مضحکه انتخابات شرکت نمیکند ولی اکثریت آن بخشی هم که شرکت میکند خواست و هدفش نه گفتن به جناح اصولگرا و خامنه ای بعنوان رهبر و مظهر نظام جمهوری اسلامی است. آن بخش جامعه که منافع مستقیمی در حفظ حکومت دارد (آیت الله های میلیاردر و آقا زاده ها و وابستگان، مقامات حکومتی و نمایندگان مجلس و رده های بالای دولت، باندهای مافیائی پرور شده در موقوفات و املاک و کلا صنعت مذهب، نیروهای بسیج و سپاه، سرمایه دارانی که از قبل این حکومت پولشان از پارو بالا میروند و امثالهم) به ولی فقیه و کاندید مورد حمایتش رای میدهند. بخشی نیز بخاطر توهم به وعده های پوپولیستی اصولگراها در دفاع از محرومان و وعده هائی نظیر سه برابر کردن پارانها ها و غیره به اصولگرایان رای میدهند. کلاً میتوان گفت رای به کاندید خامنه ای رای تأیید و یا توهم به جمهوری اسلامی است (بهین دلیل هم اصولگرایان در انتخاباتهایی که امکان تقلب نداشته باشند، بازنده هستند). ولی رای مردم به جناح مقابل نه در حمایت از حکومت است و نه حتی بخاطر توهم به اصلاح طلبان. بلکه رای سلبی به خامنه ای و کاندیدای مورد حمایت اوست. **انترناسیونال:** بی بی سی نتیجه گرفته است که انتخاب روحانی نشان داد مردم دنبال انقلاب و آشوب نیستند. مردم میخواهند وضع موجود را حفظ کنند و در چهارچوب آن به طور تدریجی تغییراتی بوجود بیاورند. این ادعا تا چه حد نقش و خواست مردم در این انتخابات را منعکس میکند؟

حمید تقوایی: به نظر من این ادعای پوچی است که بیشتر تلاش ارتجاعی رسانه هائی نظیر بی بی سی برای حفظ جمهوری اسلامی را منعکس میکند تا شرایط واقعی سیاسی در ایران را.

نه امروز بلکه در چهار سال قبل نیز رای به روحانی بخاطر توهم مردم به خط استحاله و رویگردانیشان از انقلاب نبود. در آن دوره نزدیکی جلیلی و دیگر کاندیداهای اصولگرا به رهبر و خط او نقش بسیار تعیین کننده تری ایفا کرد. امروز پس از تجربه چهار سال حکومت روحانی خط تغییرات تدریجی بسیار بیشتر از گذشته رسوا شده است. امروز حتی متوهم ترین افراد نیز به این واقعیت پی برده اند که از روحانی و دولتش آبی گرم نمیشود. در این دوره نیز بخش اعظم رای مردم به روحانی، رای نه به رئیسی کاندید مورد حمایت رهبر نظام بود. کلاً به نظر من جامعه با شناخت عمومی که از زمان خاتمی تا امروز از اصلاح طلبان و خط استحاله پیدا کرده است، جایگاه و نقش سیاسی و ارزش مصرف این خط را در کشمکش و مقابله با خط خامنه ای - اصولگرایان می داند و نه وعده وعیدهای اصلاح طلبانه آنان. بر خلاف نظری بی بی سی و دیگر رسانه های پرورشی، قبل از هر چیز نفس بی معنی و مضحکه بودن انتخابات در جمهوری اسلامی بیانگر و بازتاب یک گرایش قوی و وسیع سرنگونی طلبانه در جامعه است. به هر کس که حتی بخشی از خواستهای برحق و انسانی توده مردم را نمایندگی میکند اجازه کاندید شدن نمیدهند چون میدانند نظامشان فرو خواهد ریخت. با اینهمه حتی در خود پروسه مضحکه انتخابات حکومتی نیز گرایش به مقابله با حکومت را میتوان مشاهده کرد. بخش اعظم مردمی که در انتخاباتها شرکت میکنند میخواهند از این فرصت نیز برای تضعیف بیشتر حکومت و به عقب راندن آن استفاده کنند. حزب ما بعد از دوه اول انتخابات خاتمی اعلام کرد: "مردم به خاتمی رای دادند چون قصد از

میان بردن این رژیم را دارند و خاتمی و قدرت گیری جناح مدافع او را ابزاری می دانند که می تواند فروپاشی رژیم اسلامی را تسهیل و تسریع کند." از اطلاعاتیه دفتر سیاسی، خرداد ۱۳۷۶. امروز بعد از تجربه ۸۸ و با توجه به قطعی شدن بیش از پیش جامعه و تشدید تقابل میان توده مردم زیر خط فقر و میلیاردرهای حکومتی، گسترش اعتراضات و مبارزات توده مردم و رسوائی ها و اعترافات و خود افشگریهای حکومتی ها تحت فشار این مبارزات، این ارزیابی و تبیین از دلایل شرکت مردم در انتخابات بیش از همیشه صادق است. مردم هم میخواهند با خط و جناح ولی فقیه مقابله کنند و هم با شدت بخشیدن به کشمکش میان دارو دسته های حکومتی دخالت اسلام و قوانین اسلامی در زندگی هر روزه شان را یک میلیمتر هم شده به عقب برانند. همانطور که مبارزه کارگران برای افزایش دستمزدها به معنی رضایت دادن آنها به حاکمیت سرمایه و سیستم کارمزدی نیست، و یا مبارزه زنان برای لغو حجاب و شکستن آپارتاید جنسی و کلاً مبارزه برای حقوق و آزادیهای مدنی بخشهای مختلف جامعه به این معنی نیست که نظام موجود را پذیرفته اند، رای مردم به جناح مقابل خامنه ای نیز به این معنی نیست که از سرنگونی دست کشیده اند. در ۸۸ دیدیم که چطور توده مردمی که به احمدی نژاد و خامنه ای رای منفی داده بودند با شعار مرگ بر دیکتاتور و کل نظام نشانه است به خیابانها ریختند. مردم از انتخاباتهای حکومتی نیز بعنوان فرصتی برای اعلام مخالفت با جمهوری اسلامی استفاده میکنند. در انتخابات اخیر بنا به آمار خود حکومت بیش از ۱۵ میلیون نفر شرکت نکردند. ولی بخش اعظم

انتخابات حکومتی و سرنگونی طلبی توده مردم

از صفحه ۲

آنانی که شرکت کردند نیز رای نه به خامنه ای و به کل نظامی که او رهبر و مظهر و نماد آنست را به صندوقها ریختند.

انترناسیونال: آیا انتخاب روحانی با توجه به وعده هایی که داده است گشایشی در وضعیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت؟

حمید تقوایی: تجربه چهار سال حکومت روحانی باید به همه نشان داده باشد که گشایشی در کار نیست. از امامزاده بگرام معجزه ای سر نرزد و وعده جلب سرمایه ها و برآه اندازی چرخ زنگ زده اقتصاد بجانی نرسید. و در نتیجه بحران و فروپاشی اقتصادی جمهوری اسلامی و مصائب آن نظیر فقر و بیکاری و گرانی و نا ایزی محیط های کار و دستمزدهای یک چهارم زیر خط فقر و غیره نه تنها تخفیفی نیافت بلکه شدید تر و گسترده تر شد. ما همیشه تاکید کرده ایم که از نظر اقتصادی معضل حکومت بی ثباتی سیاسی و اجتماعی او و شکل گرفتن یک اقتصاد مافیائی غارت و دزدی و چپاول است که از بیت رهبری تا همه باندهای حکومتی در آن دخیل و ذینفع هستند. درماندگی اقتصادی حکومت همزاد او و یک جزء نهادینه شده و ساختاری نظام جمهوری اسلامی است که تنها با نابودی این نظام میتواند حل و فصل بشود.

از نظر سیاسی و اجتماعی نیز در این دوره در به همان پاشنه سالهای گذشته خواهد چرخید. اعدامهای رکورد شکن، دستگیری و بازداشت فعالین جنبشهای اعتراضی، سانسور و سرکوب عقاید و مطبوعات و مدیای اجتماعی، بی حقوقی مفرط زنان، سرکوب منسوبین به ملیت و مذاهب دیگر و غیره و غیره، همه اینها همچنان ادامه خواهد یافت. جامعه خواهان نفی همه این مصائب است و سیاست گشایش سیاسی و اقتصادی و تعامل و تعادل دولت روحانی حتی در حرف و ادعا هم هیچ ربطی به این خواسته های پایه ای مردم ندارد. بازگشایی اقتصادی و جلب سرمایه گذارها حتی اگر عملی بشود در

وضعیت معیشتی و زندگی کارگران و توده مردم تغییری نخواهد داد. **انترناسیونال:** بعد از انتخاب روحانی اصلاح طلبان و رسانه ها و نیروهای طرفدار روحانی ادعا میکنند مردم طرفدار تغییرات تدریجی هستند و سرنگونی طلبی و نیروهای سرنگونی طلب پایگاهی در جامعه ندارند. در این مورد چه فکر میکنید؟

حمید تقوایی: این بسط مضحکه و کمدی انتخابات به شرایط بعد از انتخابات است. از شرکت نه تنها احزاب چپ و انقلابی و سرنگونی طلب، بلکه هر نیرویی که ذره ای از خواستها و آمال انسانی مردم را نمایندگی کند جلو گیری میکنند، لیستی از سرسپرده ترین مقامات حکومتی که حتی شاه بیت مناظره های انتخاباتیشان اعتراف و افشای دزدیها و جنایت یکدیگر است را در برابر مردم میگذارند، ولی فقیه شان فراخوان میدهد که حتی اگر مخالف نظام هستید در انتخابات شرکت کنید، و بعد ادعا میکنند نتیجه این بازی مسخره نشاندهنده رضایت دادن مردم به حکومت است. اوقات هم حلی دارد. باید از این شارلاتانها پرسید اگر یک کاندید چپ، و یا طرفدار سکولاریسم و جامعه مدنی و حتی کسی که بوئی از آزادیخواهی برده باشد در انتخابات شما شرکت میکرد آیا روحانی و یا هر کاندید حکومتی کمترین شانسی برای انتخاب میداشت؟ نه تنها "نتیجه انتخابات" بلکه همانطور که بالاتر اشاره کردم حتی نفس پوشالی و مضحکه بودن آن بازتاب وجود یک گرایش قوی سرنگونی طلبانه در جامعه است.

ما برای جمع کردن بساط ارتجاع اسلامی و خلع ید از حکومت سرمایه داری اسلامیزه شده بقدرت انقلاب می جنگیم ولی در هر انتخابات آزاد هم ما برنده خواهیم بود. مردم در یک انتخابات آزاد نیروهای چپ و سکولار و آزادیخواه را انتخاب خواهند کرد. این را استحاله چی ها و اصولگراها و کل دار و دسته های حکومتی به خوبی میدانند و بهمین دلیل میدان انتخاباتشان از محدوده خودی ترین

سرسپردگان نظام اسلامی فراتر نمی رود.

انترناسیونال: برخی از اشخاص و سازمانهایی که خود را اپوزیسیون میدانند فعالانه مردم را دعوت میکردند پای صندوقهای رای بروند. گفتند انتخابات امکانی برای تمرین دموکراسی است. امکانی برای تغییر وضعیت است. کلا نقش این اپوزیسیون در کشمکش سیاسی میان مردم و حکومت چیست؟

حمید تقوایی: حساب این نیروها از مردمی که به هر دلیل در انتخابات شرکت میکنند جداست. مردم ممکن است بدلائل مختلفی که بالاتر اشاره کردم، بخاطر مقابله با خامنه ای، تضعیف کل حکومت، دامن زدن به اختلاقات درون حکومتی، و بخشی هم بخاطر توهم به این یا آن جناح حکومتی در انتخابات شرکت کنند اما دفاع یک حزب و یا نیروی سیاسی و حتی یک شخصیت سرشناس هنری و ورزشی از انتخابات و فراخواندن مردم به شرکت در آن خاک پاشیدن به چشم مردم است. هدف و نیت این نیروها، بر خلاف گرایش عمومی توده مردم، حفظ جمهوری اسلامی و مشروعیت بخشیدن به آن است. میدانند مردم از این حکومت متنفرند و بهمین خاطر تلاش میکنند با بیرق اصلاح طلبی و تغییرات تدریجی و انتخاب بین بد و بدتر مردم را بیای صندوق رای بکشاند.

اولین شرط آزادیخواهی و دفاع از منافع توده مردم افشای مضحکه انتخاباتی رژیم است. اولین درس "تمرین دموکراسی" تاکید بر این واقعیت است که در جامعه ای که آزادیهای سیاسی و مدنی وجود خارجی ندارد انتخابات بی معنی است. تاکید بر این است که آنچه جمهوری اسلامی انتخابات مینامد حتی بر مبنای ابتدائی ترین موازین دموکراسی ربطی به رای و اراده و خواست مردم ندارد. موضعگیریهایی نیروهای باصطلاح اپوزیسیون پرو انتخابات را باید به حساب همراهی و همدستی آنها با ارتجاع اسلامی حاکم گذاشت و نه دموکراسی پناهی شان. نقش این نیروها در انتخاباتها و کلا در هر رویداد و برآمد سیاسی در جامعه مشاطه گری نظام جمهوری

اسلامی و جلوگیری از تعرض مردم به کل حکومت است. این نیروها در جدال هر روزه بین مردم و جمهوری اسلامی نه حتی در خط میانه، بلکه تماما در کنار جمهوری اسلامی قرار میگیرند و در خدمت حفظ و بقای آن عمل میکنند.

انترناسیونال: تقابل جناحها که در دوره انتخابات به اوج رسید چه تاثیری در وضعیت رژیم خواهد داشت؟

حمید تقوایی: یکی از پیامدهای انتخابات تشدید دعواها و کشمکشهای جناحی خواهد بود. آنچه در ایران "کارزار انتخاباتی" نامیده میشود در واقع کشمکش بین جناحهای حکومتی بر سر سهم بیشتر در قدرت و ثروت است. این کشمکش ناشی از عدم توازن بین قدرت واقعی و رسمی در میان جناحهای حکومتی است که نهایتا در قطبندی و تقابل میان توده مردم با کل حکومت ریشه دارد.

از یکسو نهادهای اصلی قدرت، بسیج و سپاه و نیروهای سرکوبگر و قوه قضائیه و زندانها و چهل درصد اقتصاد جامعه و سیاست خارجی تماما در دست ولی فقیه و اصولگرایان است و از سوی دیگر بخاطر منفور بودن کل حکومت و خامنه ای و جناح طرفدارش بعنوان خط مسلط و مظهر و نماد جمهوری اسلامی، این جناح نمیتواند در انتخابات به ریاست جمهوری برسد و حتی در شوراهای محلی و مجلس اسلامی اکثریت داشته باشد. این

تناقض پایه ای خود را به شکل کشاکش دائمی و رشد یابنده میان جناحهای حکومتی نشان میدهد. این تناقض از دوره بنی صدر تا کنون وجود داشته و در هر دوره شدید تر و عمیق تر شده است. امروز همه، از مردم و مفسرین و ناظرین سیاسی تا خود حکومتی ها، میدانند که بدون تقلب خط خامنه ای شانس در انتخاباتها ندارد. حتی بعضی از ناظرین سیاسی به این نتیجه رسیده اند که خامنه ای صرفا برای گرم کردن بازار انتخابات مستقیما و یا تلویحا از کاندید اصولگرایان حمایت میکند تا مردم برای رای دادن به کاندید جناح مقابل پای صندوقها بروند. عبارات دیگر به نقش منفی و سلبی خود واقف است و عامدانه این

نقش را ایفا میکند. این نوعی تئوری توطئه است که نمیتواند اعتبار چندانی داشته باشد ولی حتی اگر چنین باشد این نقشی است که به خامنه ای و طرفدارانش تحمیل شده است. ممکن است خامنه ای و نهادهای وابسته به او در هراس از خیزش توده ای و انفجار جامعه - که مدام با عنوان "قتنه بزرگ" از آن یاد میکنند - ناگزیر شده باشند به نقش کاراکتر منفی در سناریوهای انتخاباتی رضایت بدهند، اما بخوبی میدانند حتی گفتمان اصلاحات و تعامل و تعادل با غرب و غیره در دست مردم به ابزاری برای تعرض بیشتر و چالش کل نظام تبدیل میشود. میدانند شکست بعد از شکست "خط رهبری" در انتخاباتها روند "خطرناکی" است که به تعرض گسترده تر مردم و نهایتا بقول خوشان به از دست رفتن "کیان اسلام" منجر خواهد شد. رژیم راه حلی برای این بحران مزمن ندارد. این تناقض همزاد جمهوری اسلامی است و تنها با سرنگونی آن حل خواهد شد. کشمکش بین خط ایدئولوژیک و هویتی حکومت و خط استحاله همواره زمینه و بستر برای تعرض جامعه علیه کل حکومت بوده است و در این دوره نیز بی گمان شاهد رشد و گسترش این تعرض خواهیم بود.

انترناسیونال: انتخابات در جمهوری اسلامی در استراتژی سیاسی حزب کمونیست کارگری چه جایگاهی دارد؟

حمید تقوایی: ما یک حزب کمونیست انقلابی و سرنگون طلب هستیم. انتخابات حتی اگر مضحکه هم نبود نمیتوانست جایگاه مهمی در استراتژی ما داشته باشد. در انتخاباتها حتی در کشورهای غربی و به اصطلاح مهد دموکراسی چهارچوب نظام سرمایه داری فرض گرفته میشود. استعمار و کارمزدی و تبعیض طبقاتی فرض گرفته میشود و در این چهارچوب احزاب به مبارزه انتخاباتی میپردازند. اما امر ما نابودی نظام ضد انسانی سرمایه داری است. ما معتقدیم جمهوری اسلامی وحشی ترین و هارترین دیکتاتوری سرمایه داری در تاریخ معاصر ایران است و

جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود

از صفحه ۶

کارگر (کارگر) مرکب از دو نماینده هیات دولتی، یک نماینده کارفرما و یک نماینده کارگر از سوی کشورهای عضو راهی اجلاس سازمان جهانی کار شده و در آن شرکت میکنند و ترکیب شرکت کنندگان اجلاس را تشکیل میدهند. بدین ترتیب هیاتی با این ترکیب هر ساله می نشینند و بر روی مقررات کار در سطح جهانی و اجرای آن به بحث و گفتگو می نشینند. در این سه جانبه گرایی در بهترین حالت نمایندگان دولت و کارفرمایان در یک جبهه واحد قرار دارند و تنها یک نفر از هیات ۴ نفره تحت عنوان نماینده کارگران شرکت میکند. اما در کشورهایی چون ایران

کل این بساط را قبول ندارند به مماشات سازمان جهانی کار با حکومت اعتراضی دارند. از همین رو هر سال با فرارسیدن زمان برگزاری این کنفرانس ها، نامه های بسیاری از سوی تشکلهای و رهبران سرشناس کارگری در اعتراض به شرکت نمایندگان تشکلهای دست ساز حکومتی تحت عنوان "نماینده کارگران" در این اجلاس ها سرازیر شده است. امسال نیز ما مثل هر سال طی بیانیه ای اعتراض خود را به حضور هیات جمهوری اسلامی در آی ال او اعلام کردیم. اساس سخنان اینست که جمهوری اسلامی نماینده کارگران و مردم ایران نیست، بلکه سرکوبگر مردم است. رژیم آپارتاید جنسی، اعدام و جنایت است. و جای رژیم

که کارگران را بخاطر مبارزاتشان دستگیر و زندانی میکند. در قبال آنها احکام قرون وسطایی شلاق اجرا میکند، رژیمی که در حاکمیتش به خاطر سودجویی سرمایه داران محیط های کار را به قتلگاه کارگران تبدیل شده است و یک نمونه فاجعه بارش در همین اردیبهشت ماه در معدن زمستان یورت آزاد شهر اتفاق افتاد و در جریان آن بیش از ۴۵ کارگر جانباختند، علیرغم اینکه قبلاً نسبت به خطر جانی معدن برای کارگران هشدار داده شده بود، جایش نه در اجلاس سازمان جهانی کار، بلکه پشت میز محاکمه است. ما از نهادها و سازمانهای کارگری در سراسر جهان خواستار اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس آی ال او شده ایم. ما خواستار

بایکوت هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس شده ایم. در عین حال ما خواستار این شده ایم که به حکومت اسلامی فشار بیاورند که اسماعیل عبدی و آتنا دانشی که هم اکنون در اعتراض به احکام خود و امنیتی کردن مبارزات و عمکرد دستگاه قضایی در اعتصاب غذا بسر میبرند، و نیز تمامی زندانیان سیاسی فوراً آزاد شوند. ما خواستار پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض در ایران شده ایم. خواست ما اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و تمامی مراجع بین المللی است.

پیام به کارگران و خانواده های جانبازان معدن یورت

پیام حزب کمونیست کارگری در شب هبستگی با کارگران معدن یورت در استکهلم ۱۹ مه ۲۰۱۷

فاجعه معدن زمستان یورت در استان گلستان در ۱۳ اردیبهشت ماه امسال که به جانباختن حداقل ۴۵ کارگر و زخمی شدن بیش از هفتاد نفر انجامید، میلیون ها نفر در سراسر کشور را در سوگ عمیقی فرو برد. حزب کمونیست کارگری ایران جانبازان کارگران را به شما خانواده هایی که عزیزانتان این چنین قربانی سودجویی مشتکی سرمایه دار و قربانی بی حقوقی تحت حکومت جنایتکار اسلامی شدند، و همچنین به شما کارگرانی که هنوز در شوک از دست دادن همکارانتان هستید و خود با کار پرمشقتان هر روز مرگ را مقابل چشمانتان دیده اید، صمیمانه تسلیت میگوید و یاد جانبازان معدن یورت را گرامی میدارد.

شما کارگران معدن یورت بیش از هر کس واقفید که این یک حادثه ساده نبود. یک جنایت آشکار بود. فرزند مراد کمالی وطن آخرین همکار جانبازخته شما میگوید: "پلرم ۳ روز مانده به این حادثه به ما گفت که من به تونل نمیرم چون خیلی خطر دارد به مسئولان گفتیم که اینجا گاز دارد نمی شود کار کرد ولی مسئولان در جواب گفتند اگر کار نمی کنید به سلامت". رسانه های حکومتی اعتراف کردند که

معدن ناامن بوده، تجهیزات ایمنی نداشته، تونل هایش یکطرفه بوده و راه خروج دیگری نداشته است. اعتراف کردند که به اعتراضات مکرر معدنچیان توجه نکرده اند برعکس نیروی انتظامی کارگران اعتصابی و معترض را باتوم زده و کارفرما با پشتیبانی ارگان های دولتی، کارگران معترض را اخراج کرده است.

مسبب این جنایت حکومتی است که قانون اساسی و قانون کارش دست کارفرماها را تماماً باز گذاشته اما کوچکترین حقی برای زندگی و امنیت و اعتراض و متشکل شدن کارگران قائل نشده است. مسببین این فاجعه، دست اندرکاران صدا و سیما مینفور حکومت اند که در تمام ۱۵ سال که از عمر این معدن میگذرد حتی یک دقیقه به کارگران فرصت ندادند مشکلاتشان را با جامعه در میان بگذارند تا از این طریق به دولت و کارفرما فشار بیاورند. سیستم قضایی بیرحمی است که با شکایت کارفرماهای مفتخور، کارگران معترض را تحت عنوان اخلاص در نظم و امنیت ملی به دادگاه و زندان میکشانند و به اخراج و شلاق محکوم میکنند، مجلس است که در دفاع از سرمایه داران حریص و بیرحم، قانون پشت

ارگانهایی که معدنچیان معترض را اخراج کرده و باتوم زده اند و پرداخت غرامت به کارگران اخراجی، پرداخت فوری حقوق عقب افتاده کارگران و رفع فوری مشکلات بیمه آنها و نیز تامین کامل زندگی کارگران تا بازگشت آنها به کار،

انعکاس مشکلات کارگران از صدا و سیما و سایر رسانه های حکومتی از طریق مصاحبه با کارگران و نمایندگان کارگران، مداوای کارگران مصدوم با آخرین امکانات پزشکی و گزارش منظم وضعیت آنها از طریق رسانه های دولتی، همچنین معاینه و معالجه کلیه کارگرانی که در طول سالیان گذشته به انواع بیماری مبتلا شده اند، غرامت به خانواده های جانبازان و مصدومین این حادثه و تامین زندگی آنها، طب رایگان برای این خانواده ها، تحصیل رایگان برای فرزندان آنها، و استفاده از

پیشرفته ترین تسهیلات و استانداردهای ایمنی و امداد رسانی در همه معادن و مراکز کار زیر نظر نمایندگان منتخب کارگران.

کارگران و خانواده های جانبازان معدن یورت

به شما اطمینان میدهم که این جنایت بی پاسخ نخواهد ماند. به شما اطمینان میدهم که روز ۱۳ اردیبهشت را بعنوان یاد جانبازان و گرامیداشت یاد جانبازان و بعنوان روزی سیاه در تاریخ جنایات سرمایه داران و حکومت اسلامی شان زنده نگه خواهیم داشت. به شما اطمینان میدهم که صدای شما را در سطح جهان منعکس کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ مه ۲۰۱۷ (۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶)



مروری کوتاه بر تلاش های بی وقفه

مصاحبه با مینا احدی



وضع اقتصادی مردم با برجام بهتر شده است یا نه و در پایان در مورد سکنیه محمدی آشتیانی و اینکه آیا او از زندان آزاد شده است یا نه.

انترناسیونال: در دیداری که در این روز با اعضای شبکه زنان سرکش داشتید، چه صحبت هایی شد و برای برنامه های آتی این نهاد چه تدارک دیده شده است؟

مینا احدی: ما در آلمان کم کم داریم يك شبکه از فعالین بسیار فعال و سرشناس درست میکنیم که در طول سالیان سال همدیگر را می شناسیم و کارها و سیاستهای ما بعنوان اکس مسلم و کارهای مرا دیده اند و اکنون به نوعی با اعتماد کامل در صدد انجام پروژه های مشترک هستیم. ما میخواهیم در آلمان حجاب کودکان را ممنوع کنیم. حجاب در محیط کار را ممنوع کنیم و برقع در همه جا ممنوع شود. ما میخواهیم در مدارس مذهب تدریس نشود و خواهان دفاع از فرهنگ مدرن و پیشرو هستیم و بر این اساس در نظر داریم در آلمان کنفرانس، کمپین و کارهای متعددی را در دستور بگذاریم و منشا تغییرات در این جامعه بشویم.

انترناسیونال: روز ۱۹ مه در کنفرانس بزرگترین سازمان زنان آلمان تره ده فام و پائل مباحثه آن شرکت داشتید. موضوع صحبت های شما در این کنفرانس چه بود؟

مینا احدی: این کنفرانس که با حضور ۲۰۰ نفر برگزار شد مهم بود چرا که بزرگترین سازمان زنان آلمان آنرا سازمان داده بود و سخنرانان مهمی دعوت کرده بودند.

در این کنفرانس در مورد مردسالاری و سنت های عقب مانده بحث بود و سوال این بود در مقابل این فرهنگ و بویژه فرهنگ اسلامی چه باید کرد. چهار زن سخنران از

که به سیاست همکاری و مباحثات دولت آلمان با سازمان های اسلامی معترض است. نهادی که از مدرنیته و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش دفاع میکند نهادی که خواهان ممنوعیت حجاب در مدارس و محیط های کار است و خواهان ممنوعیت برقع در همه جا است. نهاد اکس مسلم در تمام مباحثات مهم درمورد جنبش اسلامی تروریسم اسلامی و حقوق زنان و لاتنسیسته در آلمان در صف اول ایستاده و اکنون در بسیاری از کشورهای جهان هم اکس مسلم درست شده که آخرین نمونه آن اکس مسلم برای عربستان سعودی بود که فعالین آن در امریکا این نهاد را تاسیس کردند. در این موارد با من گفتگو کردند و ارزیابی خودم از نکات مثبت و منفی این حرکت.

انترناسیونال: در همین روز شما به پارلمان برای شرکت در مصاحبه ای درباره حقوق بشر در آلمان دعوت شدید. در این مباحثه چه گذشت؟

مینا احدی: بله در برلین به دعوت فراکسیون س/د/او و س/اس/او دو حزب خواهر در آلمان که آنجلا مرکل به آن تعلق دارد دعوت شده بودم در پارلمان در بحثی حضور داشته باشم در مورد حقوق بشر در آلمان که این مبحث مفصلی است.

طبعاً يك بحث مهم در مورد پناهندگان و بررسی رعایت حقوق آنها در آلمان بود که در این مورد ما دعوت شده بودیم.

انترناسیونال: روز ۱۸ مه با روزنامه برزلی گلوبوس مصاحبه داشتید. خبرنگار این روزنامه به چه نکاتی در مورد ایران علاقه نشان داد؟

مینا احدی: در مورد انتخابات در ایران چگونه است و نقش روحانی و به قول آنها جناح اصلاح طلب حکومت و اختلاقات اینها با جناح محافظه کار و اینکه آیا با بودن روحانی اوضاع در ایران بهتر و یا بدتر شده است. يك سوال این بود آیا

انترناسیونال: در گزارش شما، به کنفرانس مطبوعاتی دیگری اشاره شده که از طرف بخش عربی دویچه وله. رادیوی رسمی دولتی آلمان - در يك مسجد برگزار شده بود و شما به آن دعوت داشتید. دلیل امتناع شما از شرکت در این کنفرانس چه بود؟

مینا احدی: ما به کار برخی رسانه ها انتقاد کردیم که اسلام دوست هستند و کار فعالین منتقد جنبش اسلامی و یا زنان سرکش و منتقد حجاب و غیره را منعکس نمیکنند بعضاً این رسانه ها به يك بلندگوی تبلیغاتی اسلامیه تبدیل شده اند از جمله و آخرین مورد در مورد دویچه وله عربی بود که مسئولین این بخش از نهاد اکس مسلم دعوت کردند که در يك کنفرانس در تلویزیون شرکت کنند و سپس شنیدیم که این کنفرانس در مسجد برپا میشود و ما به این امر اعتراض کردیم و دویچه وله عربی کوتاه نیامد که کنفرانس را در مسجد برگزار نکنند، و اعلام کرد که به بینندگان خواهد گفت از ما دعوت کرده و ما بدلیل اینکه این کنفرانس در مسجد است از شرکت امتناع کرده ایم. نکته ما اینست چرا کنفرانس در مسجد و بویژه دعوت از کسانی که از دست اسلامیه ها و مسجد فرار کرده و خاطرات تلخی دارند که به مسجد رفته و آنجا با اسلامیه ها جمل کنند، يك رفتار ناشایست از سوی این رسانه است. هیچ عضو عرب زبان اکس مسلم حاضر نبود به مسجد رفته و در آنجا دبات کند اینرا به مسئولین این رسانه گفتیم.

انترناسیونال: روز ۱۷ مه شما مصاحبه ای با دو رسانه بزرگ آلمان مصاحبه داشتید در این مصاحبه ها چه مسائلی مطرح شد؟

مینا احدی: در این مصاحبه ها اساساً در مورد ده سال فعالیت نهاد اکس مسلم و خواسته های ما و پیشرفت کار ما با من مصاحبه کردند. نهاد اکس مسلم در سال ۲۰۰۷ درست شد و اکنون ده سال است که ما فعالیت میکنیم. نهادی

حضور ۱۲ نفر از فعالین سرشناس مدافع حقوق پناهندگی و منتقدین اسلام سیاسی، از جمله زنانی از کردستان ترکیه و عراق، اریتره و بوسنی و الجزایر و ایران و آلمان و يك مرد از عربستان سعودی، يك نشست درونی داشتیم که در آن خواسته های خودمان را فرموله کردیم و سپس خبرنگاران از ساعت ۱۶.۳۰ آمدند و با آنها گفتگو کردیم.

انترناسیونال: در این کنفرانس شما و سایر شرکت کنندگان درباره چه مسائلی صحبت کردید؟

مینا احدی: در کنفرانس مطبوعاتی ما نمایندگان شبکه های مهم خبری حضور داشتند. در ابتدا من به حاضرین خوشامد گفتم و موضوع کنفرانس را معرفی کردم. گفتیم ما زنان از کشورهای اسلام زده که به پناهندگان کمک میکنیم خواهان جدایی کامل مذهب از پروسه پناهندگی هستیم. در آلمان کلیسا و همچنین مساجد بسیار در این پروسه دخالت میکنند. ما خواهان امنیت برای زنان و دقت به این امر در هایم های پناهندگی و در کل جامعه هستیم. در بسیاری از هایم ها فضای عمومی دست اسلامیه ها و متعصبین مذهبی افتاده و بعضاً زنان تحت فشار قرار میگیرند حجاب را رعایت کنند.

ما خواهان ممنوعیت حجاب کودکان و همچنین حجاب در محیط های کاری در آلمان هستیم و سپس کل خواسته های ما از طرف ریکها شنایدر برای خبرنگاران خوانده شد و سپس به سوالات پاسخ دادیم.

در این کنفرانس زانا رضانی زن سرشناس منتقد اسلام که اخیراً هم کتابی نوشته که بسیار مورد توجه قرار گرفته صحبت کرد و همچنین يك زن فیلمساز از کردستان ترکیه و زنی از اریتره که به او تجاوز کرده بودند و زنان دیگری از الجزایر و ورود الظهیر که يك زن بازمانده از يك قتل ناموسی است سخنرانی کرد...

انترناسیونال: هفته قبل گزارش کوتاهی از فعالیت هایتان در چند روز گذشته منتشر کرده اید. در این گزارش از يك کنفرانس مطبوعاتی در روز ۱۶ مه صحبت شده که در آن درباره مشکلات پناهندگی و همکاری دولت آلمان با سازمان های اسلامی در این زمینه صحبت کردید. این کنفرانس مطبوعاتی از طرف چه نهادی برگزار شد و چه کسانی در آن شرکت داشتند؟

مینا احدی: این کنفرانس اساساً بدلیل بررسی موقعیت زنان فراری از کشورهای اسلام زده و بویژه در مورد دینا علی السلومی بود که از عربستان سعودی فرار کرد و سپس در فرودگاه فیلیپین او را با خشونت به خانواده اش تحویل داده و پس فرستادند. اول کمی در این مورد توضیح میدهم. دینا از خانواده و کشور عربستان فرار کرده بود، و در مسیر راه در فیلیپین هم خانواده و هم سفارت عربستان از مسئولین فرودگاه درخواست کردند که دینا را دستگیر و روانه عربستان کنند. دینا در يك فرصتی از تلفن همراه يك زن کانادایی که در هاولیما بود پیامی به دنیا فرستاد و درخواست کمک کرد. ما از قبل با دینا در تماس بودیم و همه تلاشهای ما از جمله تماس با فرودگاه و سفارت فیلیپین و تایوان و غیره بی تاثیر ماند و دینا را در فرودگاه با دست بسته تحویل دایی اش دادند که به فیلیپین پرواز کرد و او را برد. در عربستان به این رفتار بیشرمانه و غیر مسئولانه دولت فیلیپین اعتراض شد و زنان در فرودگاه جده تجمع کرده و خواهان بازپس فرستادن دینا به يك کشور امن شدند در هر حال دینا اکنون در عربستان است و ما نگران جان و امنیت او هستیم. کنفرانس مطبوعاتی اساساً با این موضوع و همچنین موقعیت زنان پناهنده و همه پناهندگان و نقش سازمان های اسلامی در هایم های پناهندگی و بحث حجاب و تحمیل حجاب به کودکان و ... بود. ما در ابتدا با

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

کارگران بعد از انتخابات

مضحکه انتخابات حکومت اسلامی موضوع داغ هفته گذشته بود. در حالیکه خواست واقعی مردم سرنگونی حکومت اسلامی با کلیت قوانین و ماشین سرکوب و جنایتش است، این بار نیز مضحکه ای به اسم انتخابات به پا شد که در آن از لیستی که از صافی شورای نگهبان و خامنه ای گذشته بودند، سرانجام رئیسی عضو کمیته مرگ خمینی در سال ۶۷ و روحانی از مهره های اصلی نظام که در چهار سال ریاستش رکورد اعدام ها را داشت، به مرحله نهایی رسیدند. بعد هم از مردم خواسته شد که پای صندوق ها بروند و به یکی از این دو جنایتکار رای دهند. آخر سر هم روحانی برای ۴ سال دیگر رئیس جمهور شد. بدین ترتیب بساطی که به اسم انتخابات بر پا شد بیش از هر چیز جنگ قدرت باندها و دارو دسته های حکومتی بود. در این وانفسا در شرایطی که جنبش کارگری از اعتراض میجوشت، جنبش های اجتماعی هر روز سازمان یافته تر و قدرتمند به جلو می آیند و در واقع این کل بربریت سرمایه داری حاکم است که دارد به چالش کشیده میشود، طیف های رنگارنگ ملی اسلامی و توده ایستی و اکثریتی تحرك گسترده ای پیدا کردند و برای اینکه مبادا اوضاع به هم بریزد، تحت عنوان انتخاب بد و بدتر، برای داغ کردن بساط این مضحکه بازار گرمی کردند.

در جریان همین مضحکه نیز ما شاهد کارزار گسترده ای علیه کل بساط حکومت بودیم که نسبت به دوره های گذشته میتوان گفت بیسابقه بود. از جمله آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام از زندان نامه داد و گفت من در این انتخابات شرکت نمیکنم. فعال سرشناس کارگری چون بهنام ابراهیم زاده از عدم شرکت در مضحکه انتخابات سخن گفت. عده ای چون آتنا فرقدانی از فعالین اجتماعی از این که تا انتخابات آزاد

نباشد، رای نمیدهیم اعتراضشان را اعلام کردند و از سوی دیگر گروه های اعتراضی بسیاری علیه مضحکه انتخابات در مدیای اجتماعی، سر بلند کردند.

در هر حال فشار جنبش های اعتراضی را حتی در مناظره های انتخاباتی سران حکومت کاملاً میشد دید و لمس کرد. دیلیم که چگونه از دزدی هایشان گفتند. دیلیم که کسانیکه خود یک پای اجرای سیاست ریاضت اقتصادی بر کرده کارگران و کل جامعه هستند، کسانیکه خود یک پای سرکوب مبارزات مردم و کشتار و جنایت در قبال مردم هستند، از وضع آشفته اقتصاد و فشارش بر کرده کارگر و مردم گفتند. بطرز مسخره ای با اشاره به اعتراضات کارگران شرکت واحد و آتش نشانی و فاجعه ای که در زمستان یورت روی داده است، با اشاره به نیروی میلیونی بیکاری، با اشاره به سرکوبگری هایشان و طرح های گاز انبری برای سرکوب دانشجویان و طرح های تفکیک جنسیتی که صدای اعتراض مردم را بلند کرده است، بحث و مناظره کردند و به جان یکدیگر افتادند. بدین ترتیب ناکامی هایشان را بر سر هم کوبیدند. سرکوبگری هایشان را جلوی چشم جامعه گذاشتند، و هر کدامشان با وعده هایی در برابر مردم زانو زدند، تا بلکه برنده این جنگ قدرت باشند و حریف را از میدان به در کنند. وعده دادند تا مردم را به پای صندوق های رای بکشانند. این مناظره ها اوج استیصال و آشفتنگی صفوف حکومتیان را در مقابل مردمی که هر روز سازمان یافته تر و معترض تر به میدان می آیند، به نمایش گذاشت.

و در واقع ما مردم با فشار اعتراضاتمان علیه فقر و فلاکت بیسابقه ای که بر جامعه حاکم شده و علیه سرکوب ها و کاری کردیم که جانبان با یکدیگر گلاویز شوند و یکدیگر را به محاکمه بکشند.

در چنین شرایطی بود که مضحکه انتخابات به پا شد و

روحانی بار دیگر رئیس جمهور شد. حال حتی به فرض مبنا گرفتن آمارهای مهندسی شده دولتی، به گفته خودشان در این مضحکه بیش از شانزده میلیون رای ندادند و آشکارا به حکومت اسلامی نه گفتند. و نیز از آتھایی هم که در آخرین ساعت روز از رای گیری، به این تصمیم رسیدند که به پوزه خامنه ای بکوبند و در مقابل فرد منتخب وی که رئیسی بود، به روحانی رای دهند، عملاً اعتراض خود را به کل جهنم سرمایه داری اعلام داشتند. مردم با برداشتن حجاب، با رقص و کارناوال در واقع رای سلبی خود را به کل این نظام و آپارتاید جنسی اش دادند.

یک نتیجه این انتخابات تضعیف آشکار "اصولگرایان" بود، اما نتیجه مهمترینش تضعیف کل حاکمیت و شدت گرفتن نزاع های درونی شان و به نمایش در آمدن استیصال حکومت در مقابل مبارزات و خواستهای برحق مردم است. بعلاوه اینکه در جریان مضحکه انتخابات و کشیده شدن بحث های حکومتیان بر سر سرکوبگری هایشان و بر سر معیشت و زندگی مردم عملاً فضای جامعه سیاسی تر شده و مردم متعرض تر شده اند. در چنین فضایی است که بعد از انتخابات مردم به خیابان ریختند، حجاب برداشتند. دختر و پسر با هم رقصیدند و شادی کردند، دیسکوی خیابانی به پا کردند. پلاکارد "اسماعیل عابدی آزاد باید گردد" به دست گرفتند، شعار "آتنا دائمی آزاد باید گردد" سر دادند، پرچمهایی علیه تفکیک جنسیتی و حقوق زن بر سر دست گرفتند و بطور واقعی به حکومت اسلامی و آپارتاید جنسی اش نه گفتند. مردم در واقع به حکومتیان گوشزد کردند که در میدانند و پیگیر خواستهایشان هستند. اینها همه فضای بعد از انتخابات و فضای جامعه ای است که در آن مردم متعرض تر از هر وقت حق و حقوقشان را میخواهند. و در این فضا جنبش کارگری يك عرصه فعال



کارگران، این حکم در دادگاه تجدید نظر خبر داد. این موفقیت را به جعفر عظیم زاده، شاپور احسانی راد، اتحادیه آزاد کارگران ایران و همگان تبریک میگویم. لغو ۱۱ سال حکم زندان به جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد يك موفقیت بزرگ در مبارزات کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات است. موفقیت قبل از آن در این کارزار، آزادی بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته شده کارگری از زندان در اول مه امسال بود که بدنبال کارزاری گسترده در حمایت از وی، حکم ۷ سالی که بنا بر پرونده امنیتی دیگری به وی داده شده بود، لغو شد و بهنام بعد از هفت سال آزاد شد. کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات در آستانه اول مه سال گذشته با بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عابدی از رهبران اعتراضات معلمان آغاز شد و با قدرت در جریان است.

گفتنی است که جعفر عظیم زاده بنا بر پرونده دیگری با اتهامات امنیتی به ۶ سال حبس محکوم شده است که یکی قلم از مصادیق آن اعتراض او به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و فعالیت به عنوان یکی از هماهنگ کننده گان کمپین برای افزایش دستمزدها با ۴ هزار امضا است. ۶ سال حکم جعفر عظیم زاده باید فوراً لغو شود.

بیانیه جمعی از فعالین کارگری و معلمان معترض در حمایت از عابدی
کارگران و معلمان دو صف متحد علیه امنیتی کردن مبارزات

هم اکنون اسماعیل عابدی از رهبران اعتراضات معلمان با اتهاماتی امنیتی با ۶ سال حکم در زندان است. او در ادامه کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران،

مبارزه است و وزن سنگینی در فضای سیاسی جامعه دارد. بنابراین تا آن جا که به جنبش کارگری بر میگردد، امروز فضا و فرصت آماده تر از هر وقت است که پیگیر خواستهایمان باشیم. تشکلهای توده ای مان را سراسری شکل دهیم. با تاکید بر خواست پایان دادن به امنیتی کردن مبارزاتمان و حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع به عنوان حقوق پایه ای خود، خواستار آزادی فوری اسماعیل عابدی، آتنا دائمی و تمامی زندانیان سیاسی شویم. تجمعات اعتراضی هزاران نفره مان را از سر بگیریم و اعتراضمان را علیه زندگی زیر خط فقر، علیه اختلاس ها و حقوق های نجومی اعلام کنیم و اگر سبد هزینه چهارمیلیون و نیم است، بخواهیم که دستمزد ما نیز در قدم اول در همان سطح افزایش یابد. امروز فرصت بیش از پیش برای به میدان آمدن متحد و متشکل ما برای خواستهایمان فراهم است. صف اعتراضاتمان را سازمان دهیم.

یک موفقیت در کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات
حکم ۱۱ سال زندان برای جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد لغو شد

جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و شاپور احسانی راد عضو هیات مدیره این تشکل کارگری بنا به پرونده ای تحت عنوان اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام در ساوه به ۱۱ سال حبس محکوم شده بودند. این موارد مشخصی از امنیتی کردن مبارزات کارگران است که کارزاری علیه آن در جریان بوده است. بدنبال اعتراضات گسترده به این حکم، بنا بر خبر اول خرداد ماه از سوی محمد علی فروغی وکیل این

نمایشگاه سانسور در جمهوری اسلامی

آرش دشتی

سی سال است که جمهوری اسلامی نمایشی تکراری را در تهران برگزار می کند تا به دنیا وانمود کند که برای کتاب و کتابخوانی ارزش قایل است! رژیمی که هزاران نفر را به خاطر خواندن کتاب و حتی نوشتن کتاب به جوخه های اعدام سپرد و یا ترور کرد.

دو سال است که نمایشگاه بین المللی! کتاب را در حاشیه ی جنوبی تهران، در جوار گور خمینی برپا می کنند. چرا چندشنبه بازار کتاب به حاشیه ی پرت جنوب تهران منتقل شده است؟

بیست و دو سال این سیرک بزرگ در محل دائمی نمایشگاه های تهران در شمال تهران واقع در ضلع جنوبی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) و زندان اوین برگزار شد اما از آنجا که رژیم نمی خواست هر ساله بمدت ۱۰ روز پیاپی جمعیتی بزرگ در آن نقطه ی حساس تجمع کنند، جایش را به مصلاي بزرگ تهران واقع در اراضی عباس آباد تغییر داد تا فضا را تا می تواند مذهبی و بسته کند. از دو سال پیش بود که در ظاهر بنا به اعتراض بعضی از ناشران ولی در حقیقت به این دلیل که این محل پرجمعیت شده بود و بیم هرگونه اتفاق در زمینه ی تجمعات اعتراضی می رفت، نمایشگاه بین المللی کتاب را به شهر آفتاب منتقل کرد.

داستان شهر آفتاب چیست؟

هنوز خمینی جام زهر هلاهل را سر نکشیده بود که خاندانش با کمک شهرداری به فکرتصاحب اراضی کشاورزی بخش اسلام آباد و باقرآباد و فشافویه افتادند. بعد از ساخت گورگاه خمینی، به این نتیجه رسیدند که غیر از دو روزی که در سالمرگ بنیانگذار جمهوری جهل و جنایت مردم را از شهرها و روستاها با تطمیع و پذیرایی رایگان به آنجا می آورند، در طول سال کسی به آن مکان لعنتی نگاه نمی کند و امام شان، دارد در

عزلت و فراموشی می پوسد. تصمیم گرفته اند حول و حوش گورگاه را شلوغ کنند و شهری بسازند. نخست ایستگاه عوارضی اتوبان تهران - قم را در آنجا قرار دادند. سپس دانشگاه سهمیه ای و رانتی وابسته به بنیاد شهید (دانشگاه شاهد) را در آنجا ساختند. و فرودگاه بین المللی را کمی پایین تر بنا کردند. اخیرا هم مجبور شدند خط مترو را از آنجا عبور دهند. و از چند سال پیش هم پروژه عظیم نمایشگاه کتاب را با هزینه های سرسام آور در آنجا ساختند. گردانندگان گورگاه خمینی و شهرداری تهران قصد دارند در ادامه ی تصرفات رایگان زمین های کشاورزی و صرف هزینه های نجومی و افت و لیس های فراوان، شهری با مرکزیت گورگاه خمینی در حاشیه ی جنوبی تهران بسازند.

آیا نمایشگاه کتاب تهران، بین المللی است؟

همه ساله تعدادی ناشر از کشورهای عرب زبان منطقه و تعدادی انگشت شمار از کشورهای همسایه کتاب های مورد قبول جمهوری اسلامی را که بیشتر، قرآن و حدیث و کتاب های مذهبی است، در ایران به نمایش می گذارند. بین المللی در قاموس واژگان سیاسی جمهوری اسلامی، تعریف خاص خودش را دارد. مانند لیگ ها و تورنمنت های ورزشی که می گذارد مانند ورزش باستانی! و افغانستان و پاکستان را دعوت می کند و عنوان بین المللی را رویش می گذارد.

امسال در نمایشگاه سی ام چه گذشت؟

جمهوری اسلامی بنا بر سیاست ضد آزادی و ضد بشری اش، قبل از هر چیز، کتاب ها را سانسور می کند و بعد آن ها را به نمایش می گذارد. یادمان نرفته که شگرد این رژیم در خصوص زندانیان مخالف و چپ این بود که اول، زندانی را زیر شکنجه، له و

آورده می کرد و بعد بعضی از آن ها را بعنوان توابعین، جلوی تلویزیون ظاهر می کرد. جمهوری اسلامی در ایران امسال نیز مثل همیشه با قیچی سانسور به جان کتاب ها افتاد و تن رنجور و قلع و قمع شده ی کتاب ها را در بسته بندی های شیک در غرفه های نمایشگاه به نمایش گذاشت تا وانمود کند که حامی آزادی اندیشه و بیان است!

جمهوری اسلامی علاوه بر سانسور سازمان یافته در متن کتاب ها، برابر لیستی که دارد، از انتشار بعضی از کتاب ها از بعضی از نویسندگان جلوگیری کرده است. همچنین از نمایش چند عنوان کتاب در بعضی از غرفه ها جلوگیری کرده است مثلاً کتاب «گرسنگی و ابریشم» نوشته ی هرتا مولر در غرفه ی بوتیمار و ۱۱ عنوان کتاب دیگر (این کتاب گرسنگی و ابریشم موضوع جالبی است که باید يك یادداشت جداگانه ای در باره اش

بنویسم).

شکل دیگر سانسور، جلوگیری از حضور ناشران جدی بود. وزارت ارشاد اسلامی طی مقررات ظالمانه ای به ناشرانی که در طول سال ۱۳۹۵ کمتر از ۸ عنوان کتاب چاپ کرده بودند، مجوز حضور در نمایشگاه را صادر نکرد. این هم سانسور و حذف ناشر است و از سوی دیگر دامن زدن به چاپ و نشر کتاب های سطحی و کم ارزش است. نوع دیگر سانسور، چیدمان غرفه ها بود. امسال - بیشتر از سال های گذشته - غرفه ها را طوری چیده بودند که میان هر دو ناشر عمومی، يك ناشر مذهبی و دفتر یکی از آیات عظام! جا گرفته بودند. همچنین علیرغم چیدمان غرفه ها به ترتیب الفبایی، ناشران دولتی و گردن کلفت، در جاهای مهم و دونهش و سه نش و موقعیت های حساس سازمان داده شده بودند.

نمایشگاه کتاب یا فروشگاه بزرگ؟

تنها چیزی که در این سیرک

رقص شمشیر حاجی ترامپ در عربستان!

محسن ابراهیمی

دونالد ترامپ، يك معامله كاملا برابر در جهانی كاملا آزاد! جهانی که سرمایه داری بازار آزاد دست بزرگترین مرتجعین و قاتلها و لمپن راسیستها و بالاخره بزرگترین تروریستها را در دست هم قرار میدهد.

در متن این معامله پول و اسلحه و سرازیر شدن سیل دلار به جیب غولهای صنعت اسلحه سازی آمریکا حاج ترامپ در خانه خدا آدمکشان اسلامی را دیگر "تروریستهای رادیکال اسلامی" خطاب نکرد. آنها را "بازنده ها" خطاب کرد.

با این باج ریش سیاسی به ملك سلمان و حکام عربستان که مدیر اصلی کارخانه تولید باندهای تروریسم اسلامی شاخه سنی هستند دیگر کسی نباید شکي داشته باشد که رجزخوانی ترامپ علیه تروریسم اسلامی يك حقه بازی تبلیغاتی پیشا انتخاباتی بوده است و کشک است. معلوم است شیوخ عربستان با

اگر کسی هنوز تردید دارد که دنیا دست يك مشت اوباش بی همه چیز است بعد از دین رقص شمشیر ترامپ در حضور ملك سلمان قاعدتا باید تردیدهایش رفع شوند.

ملك سلمان در خانه خدا در استقبال از ترامپ رقص شمشیر راه انداخت. ترامپ شمشیر بدست گرفت و در کنار پادشاه عربستان به رقص شمشیر پیوست. پادشاه هم عالیتترین نشان عربستان سعودی را به گردن ترامپ آویخت! صحنه ای تهوع آور تر از این کجا میتوانید پیدا کنید؟

اینجا قصد تحلیل اهداف سیاسی مسافرت ترامپ به عربستان نیست. فقط میخواهم نظرتان را به يك نکته جلب کنم: ترامپ و تروریسم اسلامی.

يك معامله ناقابل: ۳۵۰ میلیارد پول از ملك سلمان و حجم كم سابقه ای از مخربترین سلاحها از

کتاب وجود ندارد، ارتباط بین ناشر و پدیدآورندگان است. ناشران در این ده روز به جای آنکه بتوانند با مولفان و مترجمان دیدار داشته باشند و بازدیدکنندگان در جریان آخرین دستاوردهای چاپ و نشر قرار بگیرند، چشمشان به خریداران اندکی است که بیشتر برای استفاده از

تخفیف به اینجا می آیند. امسال تمام ناشران از فروش بسیار. پایین می نالیدند. درحالیکه که هیچ ناشری از نیامدن مولفان و نداشتن چنین دیدارهایی گله نداشتند. و این یعنی نمایشی بودن نمایشگاه بین المللی کتاب در جمهوری اسلامی.

فقر عمومی، بیکاری، گرانی کتاب، سانسور شدید، پرت بودن محل نمایشگاه، نبودن وسایل دسترسی آسان و . . . دلایل و عواملی هستند که رابطه ی مردم را با کتاب و کتابخوانی قطع می کنند. جمهوری اسلامی، جنازه ی کتاب را هر ساله به نمایش می گذارد.

این حجم سلاحهای مدرن آدمکشی، دست بازتری برای بهتر مسلح کردن شبکه تروریسم اسلامی سنی در جهان خواهند داشت. تحرك تروریسم اسلامی هنوز ادامه خواهد داشت. چیزی که هیئت حاکمه آمریکا به آن نیاز سیاسی دارد. تحركی که به این هیئت حاکمه امکان میدهد در داخل روی ترس مردم سرمایه گذاری کند و در منطقه همچنان روی باندهای مسلح اسلامی برای جنگ نیابتی متحدانش حساب کند.

فروش نکنید که باراك اوباما هم مشغول معامله با سدرسته شاخه شیعی تروریسم اسلامی یعنی جمهوری اسلامی بود. به نظر میرسد که روسای جمهور آمریکا در نهایت عدالت را میان دو شاخه تروریسم اسلامی رعایت میکنند!

سوم خرداد ۱۳۹۶ - ۲۴ مه ۲۰۱۷

یک موفقیت در کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات

حکم ۱۱ سال زندان برای جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد لغو شد



آتینا دائمی اسماعیل عبدی جعفر عظیم زاده شاپور احسانی راد

جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و شاپور احسانی راد عضو هیات مدیره این تشکل کارگری بنا به پرونده ای تحت عنوان اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام در ساوه به ۱۱ سال حبس محکومت شده بودند. این موضوع مورد اعتراض این کارگران قرار گرفت. این موضوع مورد مشخصی از امنیتی کردن مبارزات کارگران است که هم اکنون کارزاری علیه آن در جریان است. بدنبال اعتراضات گسترده به این حکم، بنا بر خبر اول خرداد ماه از سوی محمد علی فروغی وکیل این کارگران، این حکم در دادگاه تجدید نظر خبر داد. این موفقیت را به جعفر عظیم زاده، شاپور احسانی راد، اتحادیه آزاد کارگران ایران و همگان تبریک میگویم. لغو ۱۱ سال حکم زندان به جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد یک موفقیت بزرگ در کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات است. کارزاری که در

آستانه اول مه با بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی از رهبران اعتراضات معلمان آغاز شد و با قدرت در جریان است. گفتنی است که جعفر عظیم زاده بنا بر پرونده دیگری با اتهامات امنیتی به ۶ سال حبس محکوم شده است که یکی قلم از مصادیق آن اعتراض او به دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و فعالیت به عنوان یکی از هماهنگ کننده گان کمپین برای افزایش دستمزدها با ۴ هزار امضا است. ۶ سال حکم جعفر عظیم زاده باید فوراً لغو شود.

هم اکنون اسماعیل عبدی از رهبران اعتراضات معلمان با ۶ سال حکم و آتینا دائمی از فعالین دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام در اعتراض به احکام امنیتی و عملکرد دستگاه قضایی و با خواست لغو احکام زندان خود و تمامی فعالین اجتماعی در اعتصاب غذا بسر میبرند. کارزاری بزرگ در دفاع از خواستهای آنان در جریان است. طومارهای اعتراضی برای آزادی آنها به راه افتاده است. اتحادیه بین المللی معلمان و عفو بین الملل طی بیانیه هایی خواستار آزادی فوری عبدی از زندان شده و

کمپینی برای آزادی او به راه انداخته اند. همچنین یک کارزار مهم معلمان آزادی عبدی است. در جریان مضحکه انتخابات رژیم شاهد بلند شدن پلاکاردهایی در حمایت از عبدی و آتینا دائمی بودیم. در بعد از انتخابات رژیم مردم در کرج با شعار آتینا دائمی آزاد باید گردد، پیام و اعتراض خود را فریاد زدند. وسیعا به کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات پیوندیم و با اطمینان دادن به عبدی و آتینا به اینکه در سطح بین المللی صدای اعتراضشان خواهیم بود، از آنها بخواهیم که اعتصاب

غذایشان را خاتمه دهند. اسماعیل عبدی و آتینا دائمی باید فوراً آزاد شوند. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض باید باطل شود. پرونده سازی بر اساس اتهاماتی چون اخلاف در نظم و امنیت ملی باید خاتمه یابد. تشکل، اعتصاب، تجمع، آزادی بیان همه و همه از حقوق مسلم مردم است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Free Them Now

۲۲ مه ۲۰۱۷-۱۰ خرداد ۹۶

معصومه جاهدی همسر یکی از معدنچیان جانباخته زمستان یورت

از وضع تکاندهنده زندگی کارگران معدن میگوید

او میگوید: سختی کار معدن فقط به خاطر مشکلات جسمی و ریوی نیست چون همیشه احتمال خطر و انفجار و خفگی وجود دارد اضطراب و ترس جزء جدایی ناپذیر زندگی کارگران معدن و خانواده هایشان است، مثل من که همیشه تا برگشت بهرام به خانه استرس داشتم، آخر کارگران معدن وقتی وارد تونل می شوند ارتباطشان با دنیا قطع می شود.

گفته های معصومه جاهدی و گفته های دیگر کارگران این معدن از عمق جنایتی که در معدن یورت و در معادن میگنرد پرده بر میدارد. معصومه جاهدی در گفتگو با رسانه دولتی مهر از وضع زندگیش و کار پر از مخاطره کارگران معدن

میگوید: اردیبهشت بود که پیمان بستیم برای رسیدن به آرزوهایمان، ۲۳ اردیبهشت ۹۱، بهرام لیسانس جغرافیا داشت، من هم مربی پرورشی بودم، زندگی مان را ساده و عاشقانه شروع کردیم، آنقدر خوشبخت بودیم که می توانم تا پایان عمرم بنشینم و خاطرات شیرینمان را مرور کنم. یک سال و نیم از زندگیمان گذشته بود که با آمدن امیرعباس دلخوشیمان بیشتر شد، یک پسر ریزجته و دوست داشتنی که قدمی کشید و به بهرام وابسته تر می شد همسر بعد از اتمام دانشگاه چون کار نبود به عنوان کارگر در معدن زغال سنگ البرز شرقی مشغول بکار شد، بهرام با وجود سختی کار و حقوق پایینی که نه

رضایت بخش بود و نه سر موعد پرداخت می شد راضی بود و قانع، انگیزه اش برای کار کردن بینظیر بود سالهای اول ازدواج یک روز در میان شانزده ساعته سرکار می رفت، اما بعد از آن ساعت کارش تغییر کرد، هر روز یک ربع به شش صبح از خانه بیرون می رفت و حوالی ساعت سه ظهر بر می گشت، سختی کار معدن فقط به خاطر مشکلات جسمی و ریوی نیست چون همیشه احتمال خطر و انفجار و خفگی وجود دارد اضطراب و ترس جزء جدایی ناپذیر زندگی کارگران معدن و خانواده هایشان است. مثل من که همیشه تا برگشت بهرام به خانه استرس داشتم، آخر کارگران معدن وقتی وارد تونل می شوند

ارتباطشان با دنیا قطع می شود همسر در سال ۹۳ به دلیل تعدیل نیروی یک سال بیکار شد و در سال ۹۴ در معدن زمستان یورت به عنوان نقشه بردار قرارداد بست، قبل از این حادثه هر بار که همسر و همکارانش به خاطر حقوق های پرداخت نشده اعتراض می کردند کسی به آنها توجه نمی کرد، اما درست بعد از این اتفاق مطالبات ۸

ماهی که پرداخت نشده بود به حسابمان واریز شد، وقتی همسرانمان را از دست داده بودیم پول چه دردی را دوا می کرد؟ از طرفی روزهای مراسم و تشییع همزمان بود با انتخابات، بعضی کانندهای شهر به جای همدردی با ما، جای اینکه مرهم باشند در مراسم از شلوغی ها برای تبلیغ خود استفاده می کردند و تحمل این برای ما خیلی سخت بود.



کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

معلمان و فعالین اجتماعی که در سال گذشته با بیانیه مشترکی که با جعفر عظیم زاده بودند، اعلامش کردند، امسال نیز در دهم اردیبهشت بیانیه داد و با خواست لغو احکام امنیتی صادر شده برای خودش و برای همه فعالین کارگری، معلمان، و فعالین اجتماعی دست به اعتصاب غذا زد. این اقدام او به کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات که بطور واقعی تأکیدی بر حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی های پایه ای در جامعه است، تحرك جلدی داد. در این مدت هزاران معلم و کارگر و فعال اجتماعی از اقصی نقاط کشور در حمایت از خواسته های انسانی اسماعیل عبیدی طوماری را امضا کردند و در سوم خرداد ماه تحویل قوه قضائیه دادند. کانون های صنفی معلمان در شهرهای مختلف به اشکال مختلف چون پیاده روی، کوهنوردی، جمع شدن در پارک، سر زدن به خانواده عبیدی تلاش کرده اند که حمایت خود را از عبیدی و خواسته های اعلام کنند. در جریان مضحکه انتخابات رژیم شاهد بلند شدن پلاکاردهایی در حمایت از عبیدی بودیم. همچنین ده ها تشکل صنفی و مدنی طی بیانیه هایی از خواسته های اعتراضی اسماعیل عبیدی اعلام حمایت کرده اند و این حمایت ها همچنان ادامه دارد.

در همین راستا ۲۴ نفر از فعالین و چهره های شناخته شده معلمان و کارگران به اسامی علی ایران نژاد - معلم، مجتبی ابطی - معلم، شاپور احسانی راد - کارگر، شیت امانی - کارگر، بهنام ابراهیم زاده - کارگر، نسرين بهمن پور - معلم، محمد حسن پوره - معلم، محمد جراحی - کارگر، هاشم خواستار - معلم، ناهید خداجو - کارگر، محمد رضا حکیم الهی - معلم، داوود رضوی - کارگر، واله زمانی - کارگر، سارا سپایور - معلم، محمود صالحی - کارگر، جعفر عظیم زاده - کارگر، علی فروتن - معلم، عزیز قاسم زاده - معلم، مجتبی گودرزی - معلم، اسکندر لطفی - معلم، رضامسلمی - معلم، جوانمیر مرادی - کارگر، پروین

محمدی - کارگر، علی نجاتی - کارگر، در حمایت از اسماعیل عبیدی و خواسته های بیانیه داده و خواستار آزادی او و لغو اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین اجتماعی شده اند. تعدادی دیگر از فعالین کارگری و اجتماعی به اسامی مهدی سروقندی - کارگر، عظیم محمد زاده - کارگر، حسین حسین زاده، آیت حسن زاده - کارگر، بهروز محمدی - کارگر، پرویز زمانی - کارگر، بهروز فیضی - کارگر، روح الله محمدی - کارگر، نسترن آقایی، خالد ناصری - فعال کارگری، با اضافه کردن امضایشان از این بیانیه حمایت کرده اند و حمایت ها ادامه دارد. این بیانیه ای که بار دیگر صف متحد مبارزه کارگران و معلمان را به نمایش گذاشت. در بخشی از بیانیه چنین آمده است: «نظر به شرایط خطیر جسمانی و همچنین عوارض اعتصاب طولانی مدت اسماعیل عبیدی و همچنین خواسته ده ها هزار نفر برای رسیدگی به وضعیت این معلم برجسته، ما معلمان و کارگران بعنوان امضا کنندگان این بیانیه ضمن پای فشردن بر آزادی بی قید و شرط ایشان خواستار برچیده شدن اتهامات امنیتی از پرونده های قضایی ایشان و کلیه فعالین صنفی و مدنی هستیم.

بدیهی است چنانچه این خواست ما مورد توجه مقامات اجرائی و قضائی کشور قرار نگیرد ما حق اعتراضات گسترده از قبیل تجمع و تحصن و اعتصاب غذا در مقابل مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادهای دولتی را در برابر دوربین های رسانه ای برای خود محفوظ میداریم و بدین وسیله اعلام میکنیم در صورت عدم آزادی فوری و بی قید و شرط اسماعیل عبیدی و توجه به خواست میلیون ها کارگر و معلم مبنی بر پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات صنفی و مدنی، مسئولیت تبعات اقدامات اعتراضی تر ما بر عهده مقامات دولت جمهوری اسلامی است»

همین جا لازمست که به آتنا دائمی از فعالین دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام در اعتراض اشاره ای داشته باشیم. او با

اتهاماتی امنیتی به ۷ سال حبس محکوم شده است. آتنا نیز در اعتراض به احکام امنیتی و عملکرد دستگاه قضایی و با خواست لغو احکام زندان خود و دو خواهرش انسبه و هانیه دائمی و تمامی فعالین اجتماعی از ۱۹ فروردین در اعتصاب غذا بسر میبرند. و وضعیت جسمانی او وخیم است. در حمایت از آتنا نیز هم اکنون کارزاری در جریان است. همین روزها شاهد این بودیم که جوانانی که بعد از مضحکه انتخابات، به خیابان آمدند تا اعتراضشان را اعلام کنند، پلاکاردهایی با خواست آزادی وی در دست داشتند. و در کرج صدای شعار آتنا دائمی آزاد باید گردد طنین انداخت. همچنین امضاهای بسیاری در حمایت از او و خواسته های جمع شده و طوفان تویتری به راه افتاده است.

این ها همه اتفاقات مهمی در جنبش علیه امنیتی کردن مبارزات اجتماعی است. وسیعاً به این جنبش پیوندیم. اسماعیل عبیدی، آتنا دائمی، محسن عمرانی معلمی که با یکسال حکم در بوشهر عازم زندان شد و در همان روز آغاز دستگیری اش حمایت خود را از عبیدی اعلام داشت، باید فوراً آزاد شوند. با اطمینان دادن به عبیدی و آتنا به اینکه در سطح بین المللی صدای اعتراضشان خواهیم بود، از آنها بخوایم که اعتصاب غذایشان را خاتمه دهند.

تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض باید باطل شود. پرونده سازی بر اساس اتهاماتی چون اخلاف در نظم و امنیت ملی باید خاتمه یابد. تشکل، اعتصاب، تجمع، آزادی بیان همه و همه از

مروری کوتاه بر تلاشهای بیوقفه

از صفحه ۵

کشورهای اسلام زده دعوت شده بودند. از ترکیه و ایران و بوسنی و تونس. ما البته هر کدام فعال عرصه های مختلف بودیم و هر يك با کوله باری از تجربه میگفتیم مسئله چیست و چه باید کرد. من طبعاً گفتم که صورت مسئله فقط جنبش اسلامی و مذهب اسلام نیست بلکه دولت آلمان احزاب متعدد و مالی کاترالیستها و پست مدرنیستها. جزیی از صورت مسئله هستند. بعداً در مورد ممنوعیت حجاب و خنثی بودن محیط کار و ندادن پول به مساجد و سازمانهای اسلامی حرف زدم و این درخواستها و این نوع نقد به دولت با استقبال فراوانی در جمع ویرو میشد.

انترناسیونال: مخالفان بحث های شما در جلسات این چهار روز چه میگفتند و چه سازمانها و نهادهایی

را نمایندگی می کردند؟

مینا احلی: مخالفین اساساً کسانی بودند که معتقد هستند میتوان اسلام را رفرمیزه کرد و از طریق مثلاً ساختن مساجد زنانه و یا فمینیستی و گسترش دادن این نوع مساجد که در آن زنان بدون حجاب میتوانند بروند و آخوند باشند، میگفتند میتوان معضل را پاسخ داد و درخواست کمک مالی دولت به این نوع پروژه ها بودند. یا کسانی که کماکان فکر میکنند حجاب و قتل ناموسی و ... فرهنگ يك عده از مردم است و ایران کشوری اسلامی است و .. کسانی که جنبش اسلامی را نمی بینند و ... البته باید اذعان کنم که تجارب و همچنین کارهای ما تاثیر داشته و اکنون تعداد بسیار بیشتری منتقد اسلام سیاسی هستند و تعداد بسیار بیشتری خواهان سیاست درست در این مورد هستند.



اسماعیل عبیدی، گلرخ و آرش، آتنا دائمی به دلیل دفاع از انسانیت، دفاع از حق کودک و معلم و نودونه درصد جامعه در بند و در سیاه چالهای اسلامی هستند. آنها در زندان هم در حال اعتراض هستند

صدایشان باشیم و برای آزادیشان به هر طریق ممکن بکوشیم



روز سوم خرداد حدود ۲۰۰ نفر از کارگران شاغل وبازنشسته مجتمع نی شکر هفته تجمع کردند و خواستار مطالبات عقب افتاده خود شدند.

انتخابات حکومتی و سرنگونی طلبی توده مردم

از صفحه ۳

شر جمهوری اسلامی و مصائبی که بجامعه تحمیل کرده و حتی راه عقب راندن حکومت در برابر خواستها بر حق و انسانی مردم نه خط استحاله و تغییرات تدریجی بلکه بجالش کشیدن کل حکومت است و ثالثاً افق سرنگونی بقدرت انقلاب و خیزش توده ای مردم را در چشم انداز جامعه قرار میدهم و فعالین و جنبشهای اجتماعی را به مقابله به کل حکومت و جناحهای فرا میخوانیم. شعار محوری ما در انتخابات اخیر این بود که "انتخاب مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است". این شعار بیانگر یک حقیقت پایه ای در مورد نه تنها معرکه های انتخاباتی بلکه کل تحركات و مبارزات اجتماعی در جامعه ایران است. این شعار در عین حال بیانگر عزم و اراده حزب ما است برای نمایندگی کردن گرایش و جنبش سرنگونی طلبانه در ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلابی مردم و رهائی از سلطه حاکمیت سرمایه در ایران.

میتواند و باید آخرین آن باشد. هدف استراتژیک ما خلع ید سیاسی و اقتصادی از مفتخوران و یک در صدهای سرمایه دار- با عمامه و یا بدون عمامه- است و هر موضعگیری و تاکتیک و کارزار مشخص ما در این جهت و در خدمت این هدف است. حتی به اصطلاح انتخاباتهای جمهوری اسلامی برای ما فرصت و امکانی برای تقویت جنبش سرنگونی طلبی و تعرض به کل نظام موجود است. ما در انتخاباتهای حکومتی اولاً بر این حقیقت تاکید میکنیم که در نظامی که کوچکترین آزادیهای سیاسی و مدنی نفی میشود انتخابات بی معنی است و مردم را نه تنها از شرکت در این معرکه باز میداریم بلکه تلاش میکنیم و مردم را فرامیخوانیم که از شرایط و فضای انتخاباتی برای تعرض گسترده تر به حکومت استفاده کنند. ثانیاً به این گفتمان دامن میزنیم که راه رهائی از



بنیاد منصور حکمت برگزار میکند:

کنگره سوم منصور حکمت



فاتح بهرامی؛ علی جوادی؛ رحمان حسین زاده؛ مجید حسینی؛ سیاوش دانشور؛ فاتح شیخ؛ اصغر کریمی؛ محمود قزوینی؛ آذر ماجدی؛ حسین مراد بیگی

سخنرانان:

روز شنبه اول ژوئیه ۲۰۱۷ در استکهلم سوئد
ساعت ۱۰ صبح تا ۶ عصر
ورود برای عموم آزاد است

تاریخ:

T-Skanstull
Pumpan
Färggårdstorget 1
Stockholm, Sweden

محل:

Telephone: 0046(0)707722910

www.m-hekmat.com

Mansoor Hekmat Foundation

جمهوری اسلامی حکم اعدام یک زندانی سیاسی در ارومیه را صادر کرد!

خواهان لغو مجازات این حکم ظالمانه است. جمهوری اسلامی چند روز بعد از معرکه انتخاباتی با صدور چنین احکامی می خواهد به همه نشان دهد که زبانی جز اعدام و کشتار نمی شناسد. کمیته بین المللی علیه اعدام مردم را به مبارزه هر چه وسیعتر برای تحقق خواستهای انسانی خود و از جمله لغو مجازات اعدام فرامی خواند.

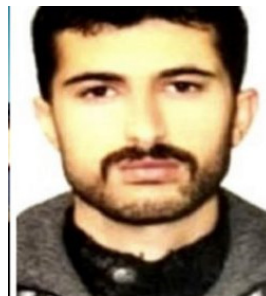
کمیته بین المللی علیه اعدام
۱ خرداد ۱۳۹۶- ۲۲ می ۲۰۱۷

او "اعترافات تلویزیونی" گرفته اند. نحوه رسیدگی به پرونده کمال حسن رمضان یکی از موارد بیرحمانه برخورد قوه قضایی جمهوری اسلامی به "متهمین" است. اول خودشان بدون هیچ دادگاهی حکم اعدام را صادر می کنند و بعد به متهم اطلاع می دهند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
صدور حکم اعدام علیه کمال حسن رمضان را شدیداً محکوم می کند و

زندان محکوم شد. این حکم بعداً به ۷ سال حبس کاهش پیدا کرد. روز ۳۰ اردیبهشت بدون آنکه دادگاه دیگری برای او تشکیل شود به او اطلاع دادند که بطور غیابی به اتهام "عضویت در پژاک" و "قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی" در سال ۱۳۹۰ به اعدام محکوم شده است. این درحالیست که در زمان یاد شده زندانی مذکور در ایران نبوده است.

کمال حسن رمضان در زندان تحت شکنجه های جسمی و روانی شدید بوده است و زیر این فشارها از



بازداشتگاه امنیتی سپاه منتقل شدند.

کمال حسن رمضان در مرداد ماه سال ۹۴ به اتهام "محاربه از طریق عضویت در پ.ک.ک" به ۱۰ سال

روز ۳۰ اردیبهشت به یک زندانی سیاسی محبوس در زندان ارومیه اطلاع داده شد که او به اعدام محکوم شده است. صدور این حکم در شرایطی صورت می گیرد که این زندانی پیش از این به ۷ سال زندان محکوم شده بود.

نام این زندانی کمال حسن رمضان است. او که ۳۱ سال سن دارد شهروند کرد تبعه سوریه است و در تیرماه سال ۹۳ به همراه دو شهروند دیگر کرد اهل شهرستان ماکو در نزدیکی شهر ارومیه توسط نیروهای سپاه پاسداران بازداشت و به

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود